بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 1 آبان 1395

بحث در مورد روایت عن نوفلی عن السکونی بود. صحبت این بود که این روایت عن نوفلی عن السکونی مستقیما از کتاب نوفلی گرفته نشده است بلکه اخذ به توسط در موردش صورت گرفته است. من اصل دیدگاه اخذ به توسط را بعضی از شواهدش را که در ادامه بحث ما هم سودمند هست اشاره کنم. عرض کردم که از شواهدی که از خود مشیخه فقیه و غیر مشیخه فقیه استفاده می شود معلوم می شود که شیخ طوسی همه روایت هایی را که در تهذیب سند را آغاز می کند با آنها، این همه روایات را مستقیما از کتاب آن کسی که اول سند واقع شده است اخذ نکرده است. در مشیخه وقتی مراجعه می کنید، شیوه تعبیراتی که ایشان کرده است، این شیوه تعبیرات تا حدودی مطلب را روشن می کند. آن این است که در مشیخه در ذیل نام کلینی افراد زیادی را ذکر کرده است.

و ما ذکرته فی هذا الکتاب عن علی بن ابراهیم فقد ذکرته بهذا الاسناد عن محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم و ما ذکرته عن محمد بن یحیی عطار فقد ذکرته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عطار

همین جور پنج شش نفر از مشایخ شیخ طوسی را اسم می برد، علی بن ابراهیم، محمد بن یحیی عطار، احمد بن ادریس، حسین بن محمد، محمد بن اسماعیل و حمید بن زیاد. می گوید ما ذکرته از این اشخاص من از طریق کلینی از این اشخاص نقل می کنم. بعد تعبیر می کند و من جمله ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی، با تعبیر من جمله نه ما ذکرته.

و من جمله ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی ما رویته بهذا الاسانید عن محمد بن یعقوب عن عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی.

در مورد مثلا احمد بن محمد بن عیسی، ایشان چند جا اسم این احمد بن محمد بن عیسی را آورده است. یک جا ذیل کلینی آورده است. با تعبیر من جمله ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی. یک جا در ذیل محمد بن علی بن محبوب آورده است. یعنی اول طریق محمد بن علی بن محبوب را که ذکر کرده ذیلش می گوید:

و من جمله ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی ما رویته بهذا اسناد عن محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد

یک جا هم ذیل صفار آورده است آن هم باز با تعبیر من جمله. یک جا هم در ذیل سعد بن عبد الله آورده است باز با تعبیر من جمله. یک جا هم مستقیم خود احمد بن محمد بن عیسی را ذکر کرده است.

و ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی الذی اخذته من نوادره

فرق اینها چیست؟ چرا بعضی هایش را به عنوان من جمله ما ذکرته ذکر کرده است یکی اش را با تعبیر الذی اخذته من نوادره ذکر می کند. این ناظر به همین نکته اخذ به توسط است. ایشان می خواهد بگوید که من روایاتی که مستقیم از نوادر گرفتم طریقش را ذکر می کند ولی یک سری از روایاتی که از احمد بن محمد بن عیسی روایت می کنم روایاتی است که مستقیما از کتاب او اخذ نکردم. از کتاب مشایخ دیگری که آنها از احمد بن محمد بن عیسی نقل کرده اند نقل می کنم. از کتاب کلینی، از کتاب محمد بن علی بن محبوب، صفار، سعد بن عبد الله، از این چهار کتاب من روایت احمد بن محمد بن عیسی را هم اخذ کردم. خب این تعبیرات را اگر کسی خوب دقت کند کاملا مشخص هست که مرحوم شیخ طوسی می خواهد این مطلب را افهام کند که همه چیزهایی را که من از احمد بن محمد بن عیسی مثلا اول سند قرار می دهند مستقیم نیست بعضی هایش مستقیم است بعضی هایش به توسط منابع مختلف است. خب ما به قرائنی می خواستیم بگوییم که این روایت عن نوفلی عن السکونی هم از همین دست هست. یعنی مواردی هست که با واسطه کتاب های دیگر ایشان از نوقلی اخذ کرده است. خب شواهدی که ذکر می کردیم اجمالا حالا یک اشاره مجددی به آنها کنم بد نیست. آ« این است که ما عرض کردیم که در هیچ یک از کتاب های تهذیب نام نوفلی اول سند واقع نشده است. تنها در کتاب الدیات در چهارده مورد عن نوفلی اول سند واقع شده است همچنین در الزیادات من کتاب الحج باب تهذیب دو مورد اول سند واقع شده است. دقیقا این دو جا یعنی هم کتاب الزیادات باب الحج و جلد دهم کتاب الدیات جایی هست که اخذ به توسط در آن بسیار زیاد است. تقریبا شاید گفت که صدی هشتاد روایاتی که از کافی مثلا اخذ شده است شایدم بیشتر صدی نود روایاتی که در این جلد از کافی اخذ شده است اسم کلینی را ذکر نکرده است. ولی قرائن کاملا نشانگر این است که از کافی اخذ کرده است.

خب بحث این است که آیا تصادفی هست که دقیقا فقط در آن جایی که بحث اخذ به توسط زیاد می شود اسم نوفلی عن السکونی بیاید. آن جلد پنجم کتاب زیادات هم دقیقا همان جایی است که اخذ به توسط هست و خیلی فراوان در آن ذکر شده است. آیا تصادفی است که فقط در این باب اسم نوفلی می آید در جاهای دیگر نمی آید؟ به نظر می رسد که این دو تا عامل با هم دیگر مرتبط هستند یعنی اینکه در جلد دهم کتاب الدیات اخذ به توسط زیاد شده است و دقیقا در همین جا نام نوفلی عن السکونی آغاز سند زیاد واقع شده است اینها با هم دیگر مرتبط هستند در واقع اخذ به توسط منشأ اخذ این روایت می شود. این محصل عرض جلسه قبل بود. حالا ما با قرائنی می خواستیم نشان دهیم که این اخذ به توسطی که صورت گرفته است چه کسانی را ایشان حذف کرده است. اخذ به توسط در واقع فرض کنید، روایت احمد بن محمد بن عیسی را که از مشیخه تهذیب عرض کردم ایشان به کافی مراجعه می کرده است، در کافی این بوده است عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی تا آخر. ایشان احمد بن محمد بن عیسی را سر سند قرار می دهد و نام و طریق کلینی به احمد بن محمد بن عیسی را حذف می کند. بحث سر این است که آیا این مواردی را که ایشان حذف کرده است، یک قانونی دارد یا هر کسی که عشقش کشید اینها را حذف می کند یا نه، یک موارد خاصی را ایشان حذف کرده است؟ در چه مواردی ایشان اخذ به توسط کرده است با حذف قسمتی از سند مصدر و نام مؤلف مصدر. این مواردش چه مواردی است؟ ما این را می خواستیم دنبال کنیم. از دو راه به نظر می رسد که تنها مواردی شیخ طوسی نام مصدر و قسمتی از سند مصدر را حذف می کند که طریق، طریق مشهوری است. طریق طریق متکرر و مشهوری است. ما ادعایمان این است می خواهیم بگوییم که این که نوفلی را اول سند قرار داده است آن قسمت محذوف که به نحو اخذ به توسط صورت گرفته است و حذف سند رخ داده است، آن یک سند متکرر مشهور بوده است. که خود همین متکرر مشهور بودن نشانگر صحت آن سند است و اعتبار آن سند. که بحث عمده این است ما می خواهیم جمیع مواردی که اخذ به توسط صورت گرفته است را معتبر کنیم. یک قانون عامی می خواهیم بدهیم برای معتبر کردن این موارد اخذ به توسط که صورت گرفته است. در نتیجه این بحث یک بحثی است که شاید نود درصد روایت های کتاب الدیات تهذیب به آن وابسته است. بحث خیلی مهمی است. بحث بی تأثیری نیست. یکی اینکه اولا من موارد اخذ به توسطی که ایشان در مشیخه به آن تصریح کرده است. جمیع این موارد را جمع کردم ببینم چه مواردی است. خب اخذ به توسط بعضی هایش هست که فقط اسم آن مؤلف حذف شده است و خود سند کامل آمده است. که در ذیل موارد کلینی نام شش تا از اساتیدش را ذکر کرده است که کسانی هستند که شیخ طوسی روایت های آنها را که از کافی بر می دارد، آنها را اول سند ذکر می کند و این شش نفر علی بن ابراهیم محمد بن یحیی عطار، احمد بن ادریس، حسین بن محمد، محمد بن اسماعیل، حمید بن زیاد هستند. اینها مورد بحث ما نیستند. مورد بحث ما کسانی هستند که علاوه بر نام مؤلف مصدر، قسمتی دیگر از سند هم حذف شده است.

سؤال:...

پاسخ: نه اصلا نقص نیست. در واقع مؤید یک نکته عامی هست که ما قبلا روی آن تکیه می کردیم. یکی از شواهد بسیار قوی آن نکته ای که بارها روی آن تکیه کردیم که این طرق، طرق اجازه ای است، این طرق تشریفاتی است خود همین که ایشان به این نحو مشی می کند از شواهد قوی آن ادعای ما است که این طرق تشریفاتی است.

سؤال:...

پاسخ: نه هیچ اشکالی ندارد. این شاهد بر این هست که، در آن طرق مشهور نه به طور کلی. لا اقل در مورد طرق مشهور، این طرق تشریفاتی است. اصلا اینکه شیخ طوسی این ها را از هم تفکیک نمی کند. تعداد زیادی شاهد بر این است که انقدر مهم نبوده است برایش تفکیک کردن بین این طرق.

مواردی که ایشان اخذ به توسط کرده است در مشیخه تصریح می کند با تعبیر من جمله. من جمله ما ذکرته. این من جمله ما ذکرته یکی در ذیل طریق کلینی هست. عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی من جمله ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی ما رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی. عده من اصحابنا حذف شده است. یکی از آنها ذیل همین کلینی در مورد احمد بن محمد بن خالد هست با عده من اصحابنا حذف شده است. یکی در ذیل، همین در مورد فضل بن شاذان هست من جمله ما ذکرته عن الفضل بن شاذان ما رویته بهذه الاسانید عن محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن أبیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان. البته ایشان یک اشتباهی اینجا مرتکب شده است و آن اشتباه هم مؤید عرض ما هست. یک سند متکرری در کافی وجود دارد، آن سند علی بن ابراهیم عن أبیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمیر است.در نگاه بدوی ممکن است اشخاص خیال کنند که این سند علی بن ابراهیم از دو نفر نقل می کند از پدرش و محمد بن اسماعیل و این دو نفر از فضل بن شاذان نقل می کنند. علی بن ابراهیم عن أبیه و محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان. استاد علی بن ابراهیم دو نفر هستند و شاگرد فضل بن شاذان هم دو نفر هستند. و فضل بن شاذان هم از ابن ابی عمیر نقل می کند. ولی این تصور، تصور نادرستی است. سند درستش این است: علی بن ابراهیم عن أبیه یک طریق است. محمد بن اسماعیل عطف به صدر سند است. کلینی از محمد بن اسماعیل مستقیم نقل می کند. علی بن ابراهیم عن أبیه یک سند. محمد بن یعقوب دوباره از محمد بن اسماعیل از فضل بن شاذان نقل می کند. آخر آن سند اول که أبیه بود و آخر این سند دوم که فضل بن شاذان بود، این دو تا از ابن ابی عمیر نقل می کنند که خیلی وقت ها برای اینکه به این مطلب تصریح شود یک کلمه جمیعا هم بعد از کلمه فضل بن شاذان آورده شده است تا این مطلب تصریح شود که طریق به این شکل است. مرحوم شیخ طوسی غالبا طریق را درست فهمیده است. خیلی جاها حالا در همین جا هم شواهدش را عرض می کنم. ولی در موقعی که می خواسته است مشیخه بنویسد اینجا اشتباه کرده است. تصور کرده است که علی بن ابراهیم و أبیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان، همه اینها طریق به فضل بن شاذان هستند. علی بن ابراهیم را راوی از این دو نفر فرض کرده است و این دو نفر را راوی از فضل بن شاذان فرض کرده است. منشأ این اشتباه چیست؟ منشأ این اشتباه این است که این طریق، چون طریق متکرری بوده است و ایشان طریق متکرر به فضل بن شاذان را می خواسته است که حذف کند. و در اثر این اشتباهی که برایش رخ داده است این أبیه و محمد بن اسماعیل را راوی فضل بن شاذان تصور کرده است. خب خیلی جاها هم به خاطر اینکه یا جمیعا داشته است با به جهت دیگر شیخ طوسی این اشتباه را مرتکب نشده است. مثلا بعضی جاها از طریق کافی علی بن ابراهیم عن أبیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمیر بوده است، ایشان قسمتی از این سند را خواسته است اختصار کند. محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان را به کامله برداشته است. وقتی خواسته است اختصار کند محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان را که طریق دوم بوده است کلش را حذف کرده است. و این نشانگر این جور توجه دارد که این کل یک طریق جدید است و در طریق علی بن ابراهیم واقع نیست. بعضی جاها کاملا متوجه این نکته که این طریق به این شکل است. ولی اینجا به هر حال این اشتباه برایش رخ داده است. حالا این را داشته باشید این خیلی به بحث ما دخالت ندارد. عرض من این هست که تمام مواردی که ایشان، تمام مواردی که مرحوم شیخ طوسی از یک منبع اخذ کرده است و قسمتی از سند را حذف کرده است، آن قسمت محذوف طرق مشهوره هستند. یکی شان عده ای از احمد بن محمد بن عیسی یک، عده از احمد بن محمد بن خالد دو، علی بن ابراهیم عن أبیه و محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان سه. که با آن اشتباهی که مرتکب شده است آن بماند. در مورد حسن بن محبوب، علی بن ابراهیم عن أبیه عن الحسن بن محبوب چهار. در مورد سهل بن زیاد، عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد که البته موارد سهل بن زیاد را تمامش را ایشان طبق این عبارت کأنه از کافی گرفته است. تقریبا هم همین جور است. یک موارد تک و توکی از غیر کافی هست سهل بن زیاد اول سند واقع شده است اخذ به توسطش از غیر کافی است شاید در کل تهذیب سه چهار مورد بیشتر نباشد. در ذیلی محمد بن علی بن محبوب که من جمله ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی که خب آن به بحث ما مربوط نیست. در ذیل محمد بن علی بن محبوب می گوید و من جمله ما ذکرته عن الحسین بن سعید و الحسن بن محبوب ما رویته بهذا الاسناد عن محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد عنهما. ببینید طریق معروف که محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد عنهما. یک طریق دیگر در ذیل صفار دارد و من جمله ما ذکرته عن الحسن بن محبوب و الحسین بن سعید ما ذکرته بهذه الاسانید یا بهذه الاسناد عن محمد بن حسن صفار عن احمد بن محمد. همین جور مواردی که حذف کرده است. ببینید من کسانی را که حذف کرده است را در مشیخه تصریح می کند یکی عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی یک. عده من اصحابنا که راوی از احمد بن محمد بن خالد نقل می کند دو. علی بن ابراهیم عن أبیه عن الفضل بن شاذان سه. علی بن ابراهیم عن أبیه عن الحسن بن محبوب چهار. عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد پنج. که سهل مرویٌ عنه است. و محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد شش. صفار از احمد بن محمد هفت. سعد بن عبد الله از احمد بن محمد هشت. هشت طریقی که ایشان به عنوان طریق ذیلی که با حذف سند هست هر هشت تا همه اش طرق معروف و مشهور و شناخته شده است. خب تصادفی نیست که فقط طرق مشهور و معروف را ایشان به عنوان سند ذیلی که حذف کرده است ذکر می کند. خب این یک راه. راه دوم که راه مهم تری هست و برای اثبات این نکته ما بیشتر اثبات به مطلب را می کند، مواردی هست که قرینه نشان می دهد که ایشان از کافی گرفته است. مواردی که در کتاب الدیات که مورد بحث ما است موارد کتاب الدیات را من از کافی این مواردش را استخراج کردم. قبلا از بعضی از دوستانمان خواسته بودیم که این موارد را استخراج کنند. اینها استخراج کردند من یک بار کامل این موارد استخراج شده را چک کردم. که مواردی که قرائن کافی نبود برای اثبات آن، آن موارد را هم حذف کردم. حجم زیادی از کتاب الدیات خیلی روشن است که از کافی گرفته شده است. که بعضی از آنها هم با حذف نام کلینی و حذف طریق کلینی به یک نفر و اکتفا به آن شخصی که اول سند واقع هست آن موارد هست.

خب این افرادی که مواردی که از کافی اخذ کرده است که مراجعه کردم، ایشان تنها چهار مورد در کتاب الدیات اسم کلینی را آورده است. تنها چهار مورد. آن چهار مورد هم کسانی هستند که مشایخ نسبتا غیر معروف کلینی هستند. احمد بن محمد بن کوفی هست که دو مورد از ایشان است. و یک مورد هم علی بن ابراهیم هست البته علی بن ابراهیم در یک سند خاصی است. علی بن ابراهیم عن المختار بن محمد بن المختار و محمد بن الحسن عن عبد الله بن الحسن العلوی جمیعا عن الفتح بن الیزید الجرجانی. این سند، سند تحویلی است. علی بن ابراهیم عن المختار بن محمد بن المختار یکی است. محمد بن حسن عن عبد الله بن الحسن العلوی دو تا است. عن الفتح بن یزید الجرجانی. اینها چون سند های غیر معروفی هستند در سند های کافی ایشان تصریح می کند به اسم محمد بن یعقوب. نفر بعدی حسین بن محمد عن معلی بن محمد هست که یک مورد هم در مورد او به نام محمد بن یعقوب تصریح کرده است. حسین بن محمد نسبتا جزو مشایخ غیر معروف تر کلینی است.

اما یک سری از افرادی که یک مقداری، مواردی که کامل حذف کرده است. حالا من یک مواردی را سند کافی را به طور کامل آورده است ولی مواردی را که حذف کرده است حالا موارد کاملش را یادداشت کردم که هیچ چیز را حل نکرده است و فقط کلینی حذف کرده است آن بماند این موارد. یک مواردی را که قسمتی از سند کافی را حذف کرده است چه کسانی هستند؟ بیشترین حذف، محمد بن یحیی را حذف کرده است. محمد بن یحیی ای که از احمد بن محمد بن عیسی نقل می کند. محمد بن یحیی که طریق عمده کلینی به احمد بن محمد بن عیسی است. 44 مورد محمد بن یحیی را حذف کرده است. 25 مورد محمد بن یحیی عن احمد بن محمد یا احمد بن محمد بن عیسی را حذف کرده است. 20 مورد عده من اصحابنا را حذف کرده است که مال سهل بن زیاد است. که این از همان مواردی بود که در مشیخه هم به آن تصریح کرده بود. یازده مورد علی بن ابراهیم عن أبیه را حذف کرده است. 9 مورد عده من اصحابنا عن احمد بن ابی عبد الله را حذف کرده است که این هم از مواردی است که در مشیخه تصریح شده است. پنج مورد علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی را حذف کرده است که این مربوط به اسناد یونس است. چهار مورد عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد را حذف کرده است که این هم طریق حسن بن محبوب است. این جور که یادم هست البته اینجا یادداشت نکرده ام ولی به نظرم در طریق حسن بن محبوب هست. چهار مورد دیگر عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد و علی بن ابراهیم عن أبیه عن ابن محبوب را حذف کرده است. اما مواردی که تک و توک حذف کرده است که یک مورد عده من اصحابنا عن احمد بن محمد را حذف کرده است و یک مورد حمید بن زیاد را حذف کرده است. تنها یک مورد هست که مورد غیر معروفی هست. تنها یک مورد که سند غیر معروف است. یکی دو مورد دیگر هم هست که سند معروفی است. در تمام موارد حذف سندی که از کافی هست سند غیر معروف یک مورد تنها داریم که آن هم به احتمال زیاد از کافی است ولی ممکن است اشخاصی برایشان چیز شود. حالا این را ملاحظه فرمایید من فردا آن یک مورد را هم عرض می کنم.

سؤال:...

پاسخ: آن ملاحظه ترتیب احادیث هست. عمدتا ترتیب احادیث هست حالا آن را یک مقداری برای، خودتان ملاحظه فرمایید، من دیگر این را به عنوان اصل مفروض گرفته ام اگر می خواستم وارد همه این قرائن شوم خیلی طول می کشید. یکی دو تا مورد روشن اخذ از کافی را من در مقاله الشیخ الطوسی و مصادر کتابه تهذیب الاحکام، آنجا روشن ترین مثال هایش را آوردم که در مجله علوم الحدیث شماره شش چاپ شده است. آن تکه هایش را به عنوان اصل مفروض دنبال می کنم. خود دوستان هم اگر یک مثالش را هم در جلسه دیروز زدم. دیروز بود یا پریروز بود مثال، برای اینکه خلاصه بی مثال هم ذکر نکرده باشیم بقیه مواردش را خود شما هم ملاحظه فرمایید یک مقایسه ای بین مواردی که از کافی اخذ شده است یعنی تک تک موارد کتاب الدیات را ملاحظه فرمایید ببینید در کافی چه شکلی است این را ملاحظه فرمایید آن چیزی که به عنوان اصل مفروض گرفته ایم شاید برای دوستان روشن تر شود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد